

A Pathology of the Government's Actions and Policies in Managing and Regulating of the Virtual Space

Mohammad Javad Walizadeh

Assistant Professor of the Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution, Tehran, Iran
Muhammad Ali Daulat

Assistant Professor of the Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution, Tehran, Iran.

mj.valizadeh@sccr.ir

Keywords:

Pathology,
Governance,
Regulation and
Organization,
Virtual Space

Abstract

In line with regulating the the virtual space with the purpose of taking advantage of its capabilities and preventing its threats and damages, numerous laws and documents have been enacted, various legal structures have been formed, extensive budgets have been allocated and significant measures have been taken, but overall, the expected goals have not been realized and the desired results and effectiveness have not been observed. Therefore, this article as an analytical-descriptive research, using with the method of library collection, attempts at finding the answer to the question that what are the gaps, problems or shortcomings that cause the relevant laws and measures to be ineffective or even ineffective and the virtual space not to be duly and appropriately regulated and organized and has resulted in continuation of disorder and chaos? The conducting of this research is a step towards the pathological review of the programs, laws, approaches, priorities and costs and will lead to the effective reorganization of capacities. It will also strengthen hope and motivation in the group of responsible and responsible agents, as the lack of such research will open the way for the continuation of wasting financial and human resources and carrying out fruitless actions. The findings of the research show that the challenges of: "not regulating and organizing the national information network", "not using smart filtering", "weakness of the internal media messaging applications", "problems and obstacles to the effectiveness of the *Shahkar* system", "freedom of circulation of VPNs and lack of effective actions against the with offending blogs and websites", "lack of foresight regarding the problems of virtual numbers", "Lack of control of domestically produced videos", "inconsistency of the bodies in legislation and implementation and lack of a central management headquarters ", and "the predominance of negation approaches over affirmative approaches in the organization of virtual space" have caused the continuation of disorder, the failure to control the social harms and its spread. In this research, the suggested operational and practical solutions for getting out of the current situation have been explained.



.This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

آسیب‌شناسی اقدامات و سیاست‌های نظام در مدیریت و ساماندهی فضای مجازی

محمدجواد ولی‌زاده

استادیار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران

محمدعلی دولت

استادیار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران

mj.valizadeh@sccr.ir

تاریخ پذیرش: ۳۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۰۱ مرداد ۱۴۰۲

چکیده

در راستای ساماندهی فضای مجازی به‌منظور بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و جلوگیری از تهدیدات و آسیب‌های آن، قوانین و اسناد متعددی وضع، ساختارهای قانونی مختلفی تشکیل، بودجه‌های زیادی تخصیص و اقدامات قابل توجهی نیز صورت گرفته است، لیکن در مجموع، هدف مورد انتظار محقق نشده و نتیجه و اثربخشی مطلوب مشاهده نمی‌شود؛ لذا این مقاله از نوع تحلیلی - توصیفی با روش گردآوری کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ این سؤال است که چه خلأ، مشکل و یا نقیصه‌هایی وجود دارد که باعث کم‌ثمر و یا حتی بی‌ثمر ماندن قوانین و اقدامات مربوطه شده و سامان نیافتن فضای مجازی و تداوم بی‌نظمی و آشفتگی آن را به بار آورده است؟ وجود این تحقیق، گامی در جهت بازبینی آسیب‌شناسانه برنامه‌ها، قوانین، رویکردها، اولویت‌ها و هزینه‌کردها بوده و بازآرایی اثربخش ظرفیت‌ها را موجب خواهد شد؛ نیز امید و انگیزه را در مجموعه عوامل مسئول و متولی تقویت خواهد نمود همچنانکه فقدان چنین پژوهشی، مسیر را برای تداوم هدررفت منابع مالی و انسانی و انجام اقدامات بی‌ثمر باز خواهد گذاشت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که چالش‌های: «ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات»، «عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند»، «ضعف پیام‌رسان‌های داخلی»، «مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار»، «رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد مؤثر با وبلاگ‌ها و وبسایت‌های متخلف»، «فقدان آینده‌نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی»، «عدم کنترل برنامه‌های ویدئویی ضبط‌شده داخلی»، «ناهماهنگی دستگاه‌ها در تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی» و «غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی»، باعث تداوم نابسامانی، کنترل نشدن آسیب‌های اجتماعی و گسترش آن شده است. در این تحقیق راهکارهای پیشنهادی عملیاتی و کاربردی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی، مورد تبیین قرار گرفته‌اند.

کلید واژگان: آسیب‌شناسی، حکمرانی، ساماندهی، فضای مجازی

مقدمه

رهبر معظم انقلاب در جمع مسئولان جبهه فرهنگی انقلاب فرمودند: «فضای مجازی، حقیقتاً قتلگاه نوجوانان و جوانان شده است. منطقی عظیمی از این فضا اکنون در دست دشمن است. باید دشمن را از فضای مجازی برانید و بتارنید.» (خامنه‌ای: ۱۳۹۵/۸/۹)

در این راستا باهدف جلوگیری از گسترش آسیب‌ها از مجرای فضای مجازی، (اعم از آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و ...) اقدامات زیادی صورت گرفته و قوانین و اسناد متعددی وضع شده، همانطور که هزینه‌های زیادی صرف و ساختارهای زیادی شکل گرفته است^۱ ولی در مجموع، هدف مورد انتظار از آن‌ها محقق نشده و نتیجه و اثربخشی مطلوب مشاهده نمی‌گردد، طوریکه در چند سال اخیر با کوچ کردن تخلفات و آسیب‌ها از فضای حقیقی به مجازی، غالب مشکلاتی که برای افراد و کشور در سطح خرد و کلان ایجاد شده با بهره‌گیری از این بستر بوده و اکثریت قریب به اتفاق مسائل و معضلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و ... به‌نوعی با فضای مجازی نابسامان ارتباط پیدا می‌کنند! و ساختارها و قوانین و اقدامات فعلی، با اذعان به تأثیرگذاری و جلوگیری‌شان از وضع فاجعه بار، نتوانسته‌اند وضع مطلوبی را برای فعالیت در فضای مجازی رقم بزنند.

بنابراین در این تحقیق با اذعان به زحمات کشیده شده، سؤال اساسی این است که چالش یا چالش‌های اصلی پیش رو کدامند و گلوگاه‌های کار کجاست که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن‌ها باعث عدم توفیق قوانین در سامان‌دهی فضای مجازی شده است؟ آنچه گفته شد نه تنها به معنی چشم‌پوشی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بسیار بالای فضای مجازی نیست، بلکه دقیقاً در جهت بروز و ظهور ظرفیت‌ها و استفاده حداکثری از پتانسیل بالای این فضا است به‌عنوان نمونه فضای مجازی بستر بسیار مناسبی برای تسریع در ارائه خدمات برخط و گسترده برای کاربران توسط شرکت‌ها، مؤسسات، دستگاه‌های دولتی است لیکن در صورت فراهم بودن فضا برای فعالیت‌های کلاهبردارانه و سارقان اطلاعات کاربران، چنین امکان و تمهیدی با خطر مواجه خواهد شد؛ بنابراین غایت و هدف این بحث، ضمن توجه به معضل آسیب‌های اجتماعی، نظم و نسق داشتن فضای مجازی به‌منظور استفاده بهینه از ظرفیت آن در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ... است.

در خصوص پیشینه و نوآوری تحقیق قابل ذکر است؛ علی‌رغم کثرت تحقیقات در حوزه فضای مجازی، عمده آن‌ها به موضوع بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و یا کارکرد برخی از ابزارهای موجود در فضای مجازی مانند شبکه‌های اجتماعی اختصاص دارد و تحقیقاتی که نگاه حاکمیتی داشته باشند و عملکرد حاکمیت و دستگاه‌های مربوطه و قوانین موضوعه را مورد بررسی قرار دهند بسیار نادر و اندک هستند از این دست تحقیقات می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: مقاله: «ارائه مدل اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی در ایران» مندرج در فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، بهار ۱۴۰۰ از نوع تحقیق کیفی با روش مصاحبه نیمه ساختاریافته هست که ابعاد و مؤلفه‌های الگوی اجرای خط‌مشی‌های فضای مجازی و روابط بین ابعاد و مؤلفه‌ها را تحت چهار مقوله شایسته‌سالاری، اهداف و راهبردهای سازمان، مدیریت مشارکتی و حمایت مدیران ارشد (به‌منزله شرایط علی) مورد بررسی قرار داده است؛ همچنین مقاله: «راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی» چاپ شده در مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی سال دهم شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، سیاست‌های شورای عالی فضای مجازی را با استفاده از روش کمی-کیفی ماتریس تحلیلی (SWOT)، از طریق مصاحبه هدفمند مورد بررسی قرار داده و در مجموع، ۱۵ نقطه قوت و فرصت به‌عنوان مزیت و تعداد ۱۶ ضعف و تهدید به‌عنوان محدودیت این شورا شناسایی نموده است. مقاله: «تبیین سیاست‌گذاری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران» که در مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۸، منتشر شده است، نشان می‌دهد سیاست‌گذاری‌های کلان صورت گرفته در این خصوص، هم ماهیت سلبی داشته و هم ایجابی. سیاست‌گذاری‌های سلبی با سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی بازدارنده در حوزه قانون‌گذاری، پالایش فضای مجازی (مشمتمل بر مسدودسازی و فیلترینگ) و سیاست‌گذاری‌های ایجابی با سازوکارهایی از قبیل، تولید و مدیریت محتوا، افزایش سواد رسانه‌ای و امن سازی فضای مجازی مبتنی بر بومی سازی در کشور اجرایی شده‌اند. مورد بعدی، مقاله: «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری تولید محتوای فضای مجازی در ایران» درج شده در مجله مدیریت دولتی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷ است، این پژوهش با استفاده

^۱ ساختارهای عظیمی همچون شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی و بودجه‌های هنگفتی همچون: مصوبه مجلس شورای اسلامی بر تخصیص ۱۵۰۰ میلیارد تومان به فعالان فضای مجازی در سال ۱۴۰۰ از طریق صندوق حمایت از تولید محتوا در فضای مجازی با عاملیت ۲۷ دستگاه فرهنگی.

از رویکرد کیفی اجرا شده و داده‌های آن از طریق برگزاری مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده است. مطابق یافته‌های تحقیق، آسیب‌ها در هفت مورد و در هفت طبقه قابل دسته‌بندی هستند: آسیب‌های سیستم نظارتی، سیاست‌های تولید محتوا، حمایت‌های از تولید محتوا، امنیت و حریم خصوصی، عوامل و زیرساخت‌های فرهنگی، ضعف در تصمیم‌گیری و زیرساخت‌های فنی. آخرین پیشینه مربوطه به مقاله: «نقش دولت در مدیریت فضای مجازی از منظر قانون اساسی ایران» چاپ‌شده در فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۷ می‌باشد؛ نتایج تحقیق بیانگر این است که با توجه به بیان رسالت و سبیل ارتباط جمعی و جلوگیری از اشاعه خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی در قانون اساسی، لزوم مدیریت و نظارت بر فضای مجازی با عنایت به نقش رسانه‌ای آن استنباط می‌شود. همچنین از اصول ۸، ۹ و ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان مبانی حقوقی مدیریت و نظارت دولت بر فضای مجازی را استنباط کرد.

نگاهی به محتوای پژوهش‌های صورت گرفته، حاکی از نقصان جدی در پرداخت عمیق به چالش‌های این بُعد از فضای مجازی است مضاف بر اینکه در ارائه راهکارهای برون‌رفت، کار خاصی صورت نگرفته است لذا این تحقیق در نوع خود نوآورانه و بدیع محسوب می‌شود.

۱. ضرورت‌های ساماندهی فضای مجازی

مقام معظم رهبری در اول فروردین ۱۴۰۰ در خصوص ضرورت ساماندهی فضای مجازی فرمودند: «همه کشورهای دنیا، بر فضای مجازی، اِعمال مدیریت می‌کنند اما در کشور ما، برخی به رها بودن فضای مجازی افتخار می‌کنند، درحالی‌که این شیوه به‌هیچ‌وجه افتخار ندارد» (خامنه‌ای: ۱/۱/۱۴۰۰)

در استدلال کلی، ضرورت ساماندهی فضای مجازی، همان ضرورت ساماندهی فضای واقعی است و به همان دلایلی که باید از آسیب‌ها و مخاطرات فضای واقعی در حوزه‌های مختلف کاست و بی‌نظمی‌ها و آشفتگی‌ها را با قوانین مورد نیاز سروسامان و نظم و نسق داد تا عده‌ای فرصت طلب و مخاطره‌جو حق اکثریت را پایمال نکنند، به همان دلایل لازم است امورات فضای مجازی نیز تحت قواعد و ضوابط منطقی و قانونی قرار گیرد و گرنه شاهد سوءاستفاده از این فضا در افزایش آسیب‌های اجتماعی و تبدیل شدن فرصت بزرگ فضای مجازی به تهدیدی بزرگ خواهیم بود و عده قلیل زیاده‌خواه و قانون‌گریز، منافع سایر ذینفعان را به مخاطره خواهند انداخت، منفعی که اعم است و شامل همه منافع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، بهداشتی، آموزشی، ... می‌شود.

در بیان تفصیلی، اصل ۸ قانون اساسی مبنای مدیریت و نظارت بر فضای مجازی است. طبق این اصل دولت جمهوری اسلامی ایران از باب دفع منکر و وظیفه‌ای بر عهده دارد و باید بر فضای مجازی نظارت کند. اصل ۹ قانون اساسی نیز می‌تواند مبنایی جهت لزوم مدیریت و نظارت بر فضای مجازی تلقی شود؛ یعنی هرگاه آزادی استفاده از فضای مجازی به استقلال سیاسی و ... صدمه بزند با جرم‌انگاری با آن مقابله خواهد شد. (رضایی‌ها و افشاری، ۱۳۹۷: ۳۲۵-۳۲۶) البته صرف غیرقانونی با غیراخلاقی بودن یک رفتار نمی‌تواند مجوزی برای جرم‌انگاری آن باشد و اگر قرار باشد عناوین مجرمانه موجود مانند سرقت یا کلاهبرداری مثلاً در خصوص داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای صدق کند، لازم است ارکان مادی و روانی تعریف‌شده برای جرائم مذکور به‌طور دقیق با تعرض نسبت به داده با سامانه منطبق شود. (یوسفی و فرزانه، ۱۴۰۲: ۸)

اما شاید اصل ۲۴ قانون اساسی مهم‌ترین مبنای مدیریت و نظارت بر فضای مجازی باشد. بر مبنای این اصل، در فضای مجازی کشور باید مسائل ضروری دینی رعایت شده و حریم آن‌ها شکسته نشود خواه در مسائل اعتقادی باشد و خواه در فروع دین و احکام و قوانین اسلام و خواه در مسائل اخلاقی و اجتماعی؛ و لزوم رعایت آن از سوی کاربران و نظارت بر حسن اجرای آن بس بااهمیت‌تر و دقیق‌تر از نظارت بر مطبوعات باید صورت گیرد. (اعرافی، ۱۳۸۱: ۳۸)

اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز که در آن حدود آزادی بیان و نشر افکار منوط به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور شده است با توجه به تشابهات کارکردی صداوسیما و فضای مجازی در اطلاع‌رسانی و نشر افکار، می‌تواند مبنایی برای نظارت بر این فضا حسب موازین اسلامی و مصالح عمومی کشور باشد. (رضایی‌ها و افشاری، ۱۳۹۷: ۳۲۸)

برخی از ابعاد آسیب‌های برآمده از نابسامانی فضای مجازی عبارتند از: ۱- تهدیدهای امنیتی (موضوع ماده ۳-۵ قانون جرائم رایانه‌ای) ۲- تهدیدهای اقتصادی (موضوع ماده ۱۲-۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای) ۳- تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی. (موضوع ماده ۱۴-۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای)

در حال حاضر کشورهای توسعه‌یافته قوانین دقیقی برای فعالیت‌های اقتصادی از طریق اینترنت و فضای مجازی دارند. خریدوفروش و تراکنش اقتصادی اینترنتی به‌طور شفاف ثبت و ضبط و قابل پیگیری است. حتی معاملات رمز ارزها از این قاعده مستثنی نیست و نیازمند ارائه مدارک هویتی معتبر خریدوفروش کنندگان است. مؤسسات مالی، پزشکی و درمانی و دیگر حوزه‌هایی که با اطلاعات شخصی و خصوصی کاربران سروکار دارند با سخت‌گیری‌های مضاعف قانونی مواجهند. همچنین مکانیزم‌های نظارتی برای پیشگیری و مقابله با آسیب‌ها و جرائم اجتماعی و فرهنگی در بستر فضای مجازی و اینترنت دارند. (سمیعی، ۱۴۰۰: ۳ و ۵)

۲. چالش‌های اقدامات و قوانین حوزه فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت

اقدامات و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته فعلی به نتیجه مطلوب نرسیده و نشان از مشکل، خلأ و نقصان در این حوزه دارد لذا در این فرصت به بررسی چالش‌های اصلی ساماندهی نشدن فضای مجازی متأثر از ضعف عملکردها و سیاست‌گذاری دستگاه‌های مربوطه پرداخته می‌شود:

۲-۱. ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات

در دنیا بحثی در حوزه سایبر به اسم «حکمرانی فضای سایبر»^۲ وجود دارد و اولین دولت‌هایی که برای خودشان این حکمرانی را ایجاد کردند آمریکایی‌ها در سال ۱۹۹۸ میلادی بودند؛ «حکمرانی فضای مجازی» یعنی اینکه صفر تا صد این فضا قابل کنترل و مدیریت باشد مثلاً اروپایی‌ها از سال ۲۰۱۳ شبکه اروپایی خودشان را شروع به راه‌اندازی کردند و قانونی به اسم GDPR^۳ دارند، یا «استرالیا» شبکه ملی NVN را دارد؛ حتی کشور کوچکی مانند «رواندا»^۴ هم حکمرانی فضای مجازی را دارد؛ اما در کشور ایران حاکمیتی ضعیف در حوزه رسانه‌های داخل کشور دیده می‌شود که با سهل‌انگاری و مواجهه منفی برخی جریان‌های سیاسی، از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و امنیتی آن چشم‌پوشی می‌شود؛ شاید عبارت دقیق‌تر آن باشد که در کشور ما نه تنها فضای مجازی رهاست و حکمرانی بر آن وجود ندارد بلکه توسط عوامل بیرونی بر آن حکمرانی می‌شود؛ بنابراین باید حکمرانی فضای سایبر را داشت که لازمه‌اش داشتن یک گمرک مجازی برای داده‌های کشور است، طوریکه سرویس خارجی هم اگر بخواهد داخل کشور خدمات بدهد سرورهایش داخل کشور مستقر شود و یا در داخل کشور، نمایندگی و دفتر داشته باشد، از طرفی کلید رمز محتوایش در اختیار قرار گیرد تا قابل مدیریت باشد. در همین راستا یکی از لوازم عمده و بسترهای اصلی تحقق حکمرانی، راه‌اندازی «شبکه ملی اطلاعات» است زیرا بومی‌سازی فضای مجازی، راهکاری در جهت ایمن‌سازی آن قلمداد می‌شود و بر این مبنا ایران سال‌ها است ایجاد و راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات یا اینترنت ملی را پیگیری می‌کند؛ «شبکه‌ای مبتنی بر قرارداد اینترنت به همراه سونچ‌ها و مسیریاب‌ها و مراکز داده‌ای به صورتی که درخواست‌های دسترسی داخلی و اخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می‌شوند به‌هیچ‌وجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه‌های اینترنت و خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود.» (ماده ۴۶ برنامه پنجم توسعه کشور: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵) اما بر اساس آخرین گزارش مرکز ملی فضای مجازی، شبکه ملی اطلاعات ۸۰ درصد رشد داشته که آن هم در بخش زیرساخت می‌باشد از طرفی بنابر اظهارات مسئولان امر از وزارت ارتباطات سابق، شبکه ملی اطلاعات شامل سه لایه زیرساخت، خدمات و محتوا است و مسئولیت تکمیل هر یک از این لایه‌ها را بخش‌های مختلف بر عهده دارند؛ حسب این اظهارات، تمام وظایف مربوط به شبکه ملی اطلاعات بر عهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیست و این وزارتخانه صرفاً در بخش زیرساخت، مسئولیت محوری دارد؛ در دولایه دیگر، دستگاه‌های دیگر نیز وظیفه دارد. لذا برای اجرای کل «شبکه ملی اطلاعات» باید اقدامات لازم در هر سه لایه و توسط سایر دستگاه‌های مسئول انجام شود. (تربتی، ۱۳۹۸: ۲۵)

^۱ Cyberspace governance

^۲ مخفف عبارت General Data Protection Regulation به معنی «مقررات محافظت از داده‌های عمومی»

^۴ Rwanda

اما سؤالی در اینجا مطرح است و آن اینکه، علت عدم اجرای مصوبات مربوط به شبکه ملی اطلاعات ولو به شکل ضعیف و ناقص چیست؟ چه اشکالی دارد که به شکل ناقص شروع شود و بعداً در حین اجرا، تکامل پیدا کند و ارتقاء یابد؟ خصوصاً که بخش لایتغیر و ثابت شبکه همین لایه‌ی تمام‌شده است و دو بخش دیگر سیال و نسبی هستند چنانکه وزیر ارتباطات دولت یازدهم گفته‌اند: «بلوغ شبکه ملی اطلاعات هیچ‌وقت تمام نمی‌شود، زیرا محتوا و ایده‌های خدمت‌رسانی به مردم هیچ‌وقت تمام نخواهد شد و در نهایت همان‌طور که شبکه ملی و دسترسی آزاد به اطلاعات به شبکه آمده‌اند، سایر دستگاه‌ها نیز باید خدمات خود را به شبکه وارد کنند.» (واعظی، ۱۳۹۶/۰۵/۰۱) این بیان شاید دارای این مفهوم باشد که شرط لازم و کافی برای راه‌اندازی شبکه، لایه زیرساخت است و نه سایر لایه‌ها، هرچند برای بهینه بودن و رغبت‌انگیزی برای کاربران، بایستی دولا به دیگر نیز فعال شوند.

گفتنی است؛ در حال حاضر، سازمان‌هایی نظیر شورای عالی فناوری اطلاعات، شورای عالی انفورماتیک، مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت ارشاد، شورای عالی فضای مجازی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای و چند سازمان دیگر هرکدام خود را از مناظر مختلف محتوایی، نظارتی و یا ارتباطی، متولی کل با بخشی از اینترنت کشور قلمداد می‌نمایند به تعبیری مدیریت فضای مجازی در کشور، نه از نبود متولی، بلکه از وفور متولی - آن‌هم متولی دولتی - رنج می‌برد. (طرح نگلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸-۱۲۹)

نیز در اجرای ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی، مصوبه جلسه ۶۶ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۵ شورای عالی با موضوع «طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات» از سوی دبیر شورای عالی فضای مجازی برای اجرا توسط نهادهای متولی ابلاغ شده است لیکن هنوز برونداد مؤثری از اجرای آن مخابره نشده است. (طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵)

در پایان ذکر این مطلب خالی از وجه نیست، از آنجاکه به لحاظ فنی، شبکه ملی اطلاعات بر مبنای پروتکل^۵ اینترنت است، در نتیجه از نظر نوع آدرس‌دهی و دسترسی، سازگار با اینترنت جهانی بوده و این امکان را می‌دهد تا کاربران علاوه بر دریافت خدمات ملی، در صورت نیاز، از خدمات اینترنت جهانی نیز بهره‌مند شوند. این دسترسی کاملاً کنترل و مدیریت شده بوده و متضمن نیازهای مختلف کشور است. از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد در فضای سایبری، حدود ۹۰ درصد ارتباطات و تبادل اطلاعات، در داخل کشور صورت می‌گیرد و تنها کمتر از ۱۰ درصد در مقیاس بین‌المللی هستند. (حاتمیان، ۱۳۹۴/۲/۱۹، ۱۰-۱۲) در نتیجه راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، بسیاری از خدمات و فناوری‌های باند پهن همانند خدمات الکترونیکی عمومی در کنار خدمات دیگر چون «تلویزیون مبتنی بر اینترنت» (IPTV)،^۶ ویدئو کنفرانس، بازی برخط و تحت شبکه، مشاهده فیلم با کیفیت بالا (HD)،^۷ تماس تلفنی اینترنتی (VoIP)،^۸ و مانند آن در کشور امکان‌پذیر خواهد شد. در عین حال، توسعه این شبکه باعث کاهش هزینه‌های خرید پهنای باند، افزایش امنیت اطلاعات ملی، توسعه تجهیزات و اطلاعاتی، تبدیل شدن به هاب و شاه‌راه انتقال اطلاعات منطقه، توسعه نرم‌افزاری و امثال آن نیز می‌شود. از طرفی چون این شبکه بستر ارائه خدمات دولت الکترونیکی به مردم خواهد بود، تمامی شبکه‌های ملی (اینترنت‌ها) همچون اینترنت مدارس، بانک‌ها، کنترل ترافیک، بیمارستان‌ها و امثال آن، به هم متصل شده و به صورت یکپارچه عمل خواهند کرد.^۹

۲-۲. عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند

کشور ایران در شبکه‌های اجتماعی نه تنها فیلترینگ هوشمند ندارد بلکه خود در فیلترینگ حسابی و هوشمند دشمن است؛ به‌عنوان مثال اگر از مردم آمریکا راجع به داعش پرسیده شود که «داعش را چه کسی ساخت؟» می‌گویند ایران! این، فیلترینگ حسابی است که افراد را در یک حساب اندیشه‌ای قرار می‌دهد. هوش مصنوعی (AR)،^{۱۰} دنیا را بر اساس هوش مصنوعی تغییر می‌دهد و مدیریت می‌کند. در موضوع فیلترینگ، هوش مصنوعی از فیلترینگ رایج خیلی پیشرفته‌تر عمل می‌کند چنانکه در فیلترینگ رایج مثلاً یکسری کلمات و عبارات به سیستم داده می‌شود، آنگاه هر پیامی، حاوی یکی از این کلمات بود حذف می‌شود اما با استفاده هوش مصنوعی، کامنتی که

^۵ Protocol

^۶ IPTV مخفف عبارت Internet Protocol television به معنای تلویزیون مبتنی بر اینترنت.

^۷ HD مخفف High Definition به مفهوم «وضوح بالا» است.

^۸ سرویس VoIP مخفف Voice over Internet Protocol، یک فناوری ارتباطی که اجازه می‌دهد تا با استفاده از اینترنت، صدا و تصویر را به دیگران منتقل کرد.

^۹ ر. ک: قوانین شورای عالی فضای مجازی: «تعریف و الزامات حاکم بر تحقق شبکه ملی اطلاعات»، ۱۳۹۲/۱۰/۰۳

^{۱۰} مخفف Artificial Intelligence

کلمات توهین‌آمیز ندارد ولی محتوای توهین‌آمیز دارد نیز درک می‌شود و اجازه استفاده از آن داده نمی‌شود لذا حتی اگر در آن متن هیچ‌گونه فحاشی صورت نگرفته و هیچ کلمه توهین‌آمیزی دیده نشود، هوش مصنوعی بار معنایی آن جمله را درک می‌کند. این کار توسط اینستاگرام^{۱۱} و برای اهداف خودش در حال اجراست. البته در کشور ما هوش مصنوعی اینستاگرام از نظم حریم خصوصی هم فراتر رفته و عملاً حکمرانی می‌کند^{۱۲} چنانکه صفحه حذف می‌کند، پست حذف می‌کند، در ماه رمضان واژه فستینگ^{۱۳} (رژیم روزه‌داری متناوب) را اسکن می‌کند و هشدار می‌دهد که ممکن است این هشتمک به مرگ کاربر منجر شود یا گوگل^{۱۴} برنامه از گوشی مخاطبان حذف می‌کند؛ یا در توییتر^{۱۵} دشمن هشتکی توییت می‌کند و منجر به آزادی یک زندانی از زندان‌های ایران می‌شود، بدین‌صورت که در اقدامی هماهنگ، حقوق بشر می‌گوید طبق قوانین بین‌المللی! توییتر محبوبیت فلان را دارد و اگر جمهوری اسلامی آزادش نکند تحت تحریم‌های فلان قرار می‌گیرد! یا در جستجوی اینستاگرام محتوای کاملاً هدفمند برای افراد آورده می‌شود!

به‌رحال بحث «داده‌های جعلی» (Fake news) خیلی مهم است؛ در کشور ایران به لحاظ قانونی جلوی داده‌های جعلی گرفته نمی‌شود، چون حکمرانی فضای مجازی نیست؛ درحالی‌که بیانیه اتحادیه اروپا می‌گوید «داده‌های جعلی» می‌تواند حکمرانی کشورها را سرد کند، چنانکه توییتر در سال ۱۳۹۷ موتوری برای شناسایی «داده‌های جعلی» و البته طبق استانداردهای خودش راه انداخت که تا سال ۱۳۹۸ یک میلیون و دویست هزار حساب کاربری با «داده‌های جعلی» تشخیص داده‌شده و بسته شدند و در این بین نزدیک سه تا چهار هزار اکانت^{۱۶} پرمخاطب کاربران ایرانی مذهبی و انقلابی در توییتر مسدود شدند. لذا از حیث فرهنگی، راه‌حل این نیست که به این فضا هجوم آورده شود تا مثلاً با محتوای مناسب اشغال شود چون با فیلترینگ حسابی و هوش مصنوعی و با دیتاهایی^{۱۷} که قبلاً از کاربرانش گرفته، دقیقاً آن‌ها را شناسایی نموده و در لحظه حذف می‌کند. متأسفانه حسب اذعان وزارت ارتباطات سابق، اقدام مؤثری در مورد فیلترینگ هوشمند به دلیل هزینه بالای آن! صورت نگرفته است. (تریتی، ۱۳۹۸: ۲۷)

لازم به ذکر است؛ شورای عالی فضای مجازی کشور، «الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» مصوب جلسه ۶۸ این شورا را باهدف صیانت از سلامت و امنیت روانی جامعه در ۱۳۹۹/۱۲/۰۴ ابلاغ کرده است. (الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱) لیکن تأثیر اجرایی شدن آن ملموس نبوده است.

۲-۳. ضعف پیام‌رسان‌های داخلی

محتوایی که از طریق پیام‌رسان‌های خارجی منتشر می‌شود، امکان ردیابی و نظارت بر آن پائین است و با تمام توان دستگاه‌ها و متخصصین زبده، اشراف بر آن به حدود ۱۰-۲۰ درصد می‌رسد، خصوصاً که در کشور ایران و در حال حاضر پیام‌رسان‌های خارجی، به‌مانند موسسات فرهنگی خارجی هستند که تأسیس شده ولی نه مجوز دارند و نه ضوابط را اجرا می‌کنند و وقتی خواسته می‌شود موضوعی را حذف کنند اقدامی نمی‌شود. چنانکه بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد «تمرکز محتوای تولید داخل بر بستر کانال‌های رسانه‌ای بیگانه و اقبال مخاطبان داخلی به سمت شبکه‌های مجازی خارجی و گرایش به سمت فرهنگ بیگانه و بی‌توجهی به فرهنگ ملی، از مهم‌ترین تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی است.» (محمدی و نصرالهی، ۱۴۰۰: ۱۴۵)

جالب اینکه یکی از علل عدم تحقق شبکه ملی اطلاعات را، ضعف پیام‌رسان‌های داخلی اعلام می‌کنند درحالی‌که در مصوبه سال ۱۳۹۵ مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات به‌عنوان متولی اصلی اجرای شبکه ملی اطلاعات مشخص گردیده و انتظار می‌رفت که از آن زمان این موضوع پیگیری عملیاتی شود و در اولین فرصت با تمهید بسترهای لازم به سرانجام برسد، چنانکه در جلسات کمیته تعیین

^{۱۱} Instagram

^{۱۲} لازم به ذکر است که این مداخلات صرفاً با الگوریتم های هوش مصنوعی نیست و بر اساس گزارشات کاربران و لیستهای سیاه و سفید نیز بعضاً عمل می‌شود.

^{۱۳} Intermittent fasting diet

^{۱۴} Google

^{۱۵} Twitter

^{۱۶} account

^{۱۷} Data (به معنی داده)

مصادیق مجرمانه، از سال ۱۳۹۲ که موضوع شبکه‌های اجتماعی خارجی مطرح بوده، تأکید جدی و اولیه بر این بوده که وزارت ارتباطات پیام‌رسان‌های داخلی را به حدی حمایت و تقویت کند که بتوانند حجم درخواست‌های داخلی را پوشش دهند.

در همین راستا با تصویب فیلتر تلگرام^{۱۸}، قرار شد اولاً از پیام‌رسان‌های داخلی حمایت شود و در ثانی پلاگرم و هاتگرام به عنوان دو پوسته ایرانی برای دوران گذار، کمک‌حال کوچ کاربران از تلگرام به شبکه‌های اجتماعی داخلی باشند، ولی عملاً چنین نشد، چنانکه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ تلگرام فیلتر شد و قرار بود تا آخر خرداد تلگرام طلایی و هاتگرام^{۱۹} نقش فیلترشکن را بازی کنند که مردم سمت فیلترشکن (VPN)^{۲۰} نروند اما از خرداد به شهریور، از شهریور به آذر و از آذر تا خرداد ۱۳۹۸ تمدید شد، نتیجه آن شد که قبل از اینکه فضا را دست بگیریم گوگل ما را حذف کرد! (درواقع دوران گذاری شد برای گوگل و تلگرام که آن‌ها خود را به‌روزرسانی و تقویت کردند و وقتی دیدند فیلترشکن‌های موردنیاز فراهم‌شده و در دسترس مردم قرار گرفته، تصمیم به حذف پوسته گرفتند.)

توضیح بیشتر آنکه؛ در سال ۱۳۹۷ تلگرام ۳۰۰۰ سرور برای ایرانی‌ها داشت و در ارزیابی‌ای که صورت گرفت برای آن‌که سرویسی بتواند مانند تلگرام پاسخگو باشد باید مطابق ارزش پول آن زمان، حداقل معادل ۳۰۰ میلیارد تومان بودجه و امکانات می‌داشت، این در حالی است که اولاً صرفاً ۱۰ سرور برای پیام‌رسان‌های داخلی فراهم آمد و ثانیاً تنها وام ۵ میلیاردی - که همه پیام‌رسان‌ها هم آن را دریافت نکردند - به تعدادی از پیام‌رسان‌ها پرداخت شد! البته بهترین کار به‌جای پرداخت وام، اعطای زیرساخت، سرور و امکانات سخت‌افزاری بر اساس میزان رشد هر یک از پیام‌رسان‌ها بود که انجام نشد. (عبدالمهی، ۱۳۹۹: ۱۰)

اگر مردم مجاب نشدند از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده کنند، یکی از دلایل اصلی ساختن زیرساخت فنی بود و نیازمندی‌های مردم تهیه نشده بود لذا اینکه گفته شود مردم خودشان اقبال و تمایل نداشتند یا از مخدوش شدن حریم خصوصی می‌ترسیدند کلیت ندارد و حرف درستی نیست؛ زیرا همین‌که نزدیک ۳۵ میلیون نفر روی پلاگرم و هاتگرام آمدند، دفع این استدلال می‌کند و گویای این مطلب است که عمده مردم نیازمند خود خدمات هستند و اولویتشان بهره‌مندی از امکانات و خدمات شبکه‌های اجتماعی است. (هرچند این موضوع و هجوم مردم به پیام‌رسان‌های داخلی با بسته شدن تلگرام، نشانه اعتماد نیز نمی‌تواند باشد.) لذا لازم است سند حمایت از پیام‌رسان‌های اجتماعی به‌طور همه‌جانبه اجرا شود؛ این سند را شورای عالی فضای مجازی در شهریور ۱۳۹۶، مصوب نموده و سند مطلوبی است. در این سند برای دستگاه‌های مختلف، وظایف متنوعی در نظر گرفته شده بود اما برخی دستگاه‌ها بعد از تصویب پای کار نیامدند!^{۲۱}

در همین راستا لازم به ذکر است آنچه برای پیام‌رسان‌های خارجی نیز اولویت دارد منافع مادی‌شان است که از طریق فعالیت کاربران در آن فضا حاصل می‌شود، منافی که با جمع‌آوری اطلاعات کاربران و فروش بیگ دیتاها^{۲۲} تا تراکنش‌های مالی که توسط یک پیام‌رسان صورت می‌گیرد یا استخراج و فروش رمز ارزهای مجازی توسط یک پیام‌رسان (مانند ارز دیجیتالی گرام)، حاصل می‌شود؛ لذا در اینجا نیز با اتخاذ رویکرد فعال و دوری از مواجهه منفعلانه، بدون اینکه نیازی به بستن پیام‌رسان‌های خارجی باشد، می‌توان با برقراری موازنه قدرت از طریق تأثیرگذاری بر منافع آن‌ها با کاهش کاربران، تراکنش‌ها، تولید نرم‌افزارهای رقیب، ... آن‌ها را ملزم و مجاب به تبعیت، رعایت و همراهی با سیاست‌های خود نمود و این مسیری است که در تمام دنیا پیموده می‌شود. (ر. ک.: سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی (بخش اهداف): ۱۴۰۱/۶/۸)

درواقع، در مواجهه با رقیب یا دشمنی که قوی است هیچ راهی جز قوی شدن وجود ندارد و هیچ ضمانت اجرایی برای در امان بودن از آسیب‌ها و مخاطرات رقیب و دشمن، بهتر و کارسازتر از قوی‌تر شدن نیست؛ در حوزه فناوری نیز موضوع غیرازاین نمی‌باشد؛ با بستن و محروم کردن و محدود کردن و مانند این موارد که البته در جای خود (در مواقع ضروری و به میزان حداقلی) لازم است، نمی‌توان جلو ورود آن و حجم‌های ناشی از آن را گرفت همچنانکه در آینده‌ای نزدیک، با ماهواره‌ای شدن اینترنت (با تکمیل شبکه ماهواره‌ای در فضا)،

^{۱۸} Telegram

^{۱۹} Hotgram

^{۲۰} مخفف کلمه Virtual Private Network

^{۲۱} مصوبه شورای عالی فضای مجازی با موضوع «سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی»، مصوب ۱۳۹۶/۵/۱۱

^{۲۲} Big Data (به معنی کلان داده)

بحث از شبکه ملی اطلاعات نیز بی‌معنی خواهد بود مگر برای آن‌هایی که قوی شده‌اند و در این میدان بازی، بازیگر فعال هستند و رقیب و دشمن از ترس ضربه خوردن، از ضربه زدن به آن‌ها و شبکه ملی اطلاعات آن‌ها می‌پرهیزد.

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

۲-۴. مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار

یکی از ابزارهای کنترلی موثر، مسیر ارتباطات سیار یا همان سیم‌کارت‌هاست؛ چون هر محتوایی و هر ارتباطی ناچار از مسیر سیم‌کارت فراهم می‌آید و اگر سیم‌کارت‌های مربوط به محتواها شناسایی و نظارت شوند مقداری از وضعیت قابل مدیریت خواهد بود؛ البته مدیریت هوشمند و نه کلاسیک انسانی، همچنانکه در سال ۱۳۹۷ در کمیته تعیین مصادیق مجرمانه ۶ هزار آدمین^{۳۳} کانال‌ها و پیج‌های مسئله‌دار به دستگاه‌های انتظامی و امنیتی اعلام شد ولی عملاً کاری روی آن‌ها صورت نگرفت؛ دلیل ذکر شده عمدتاً بحث احراز نشدن هویت آن‌ها بود؛ اما حقیقت آن است که اقدام موردی و تشکیل پرونده قضائی و پلیسی و حتی فیلترینگ رایج نیز دیگر منسوخ شده و بستن آب‌باریکه‌های فساد از این طریق در برابر پمپاژ جریان‌های قوی فساد، هدر دادن وقت و امکانات است باید فضا از طریق هوش مصنوعی، طوری مدیریت شود که اساساً این همه محتوای فاسد در آن امکان بروز و ظهور نداشته باشد و دسترسی به محتوای فساد به حداقل برسد. این مطلب به معنی لزوم احراز هویت همه سیم‌کارت‌ها و بستن سیم‌کارت‌های مجهول‌الهویه است زیرا حتی لازمه مدیریت هوشمند و اقدامات ایجابی نیز همین احراز هویت است. جالب توجه است که در فضای اینستاگرام، روزانه حدود ۲۵۰ میلیون محتوا در سال ۱۳۹۸ منتشر می‌شد که اگر صرفاً ۵ درصد آن، محتوای مجرمانه بود حدود ۱۲,۵ میلیون محتوای مجرمانه می‌شد؛ در چنین شرایطی، شناسایی و برخورد با ۶ هزار مورد، به منزله عدم برخورد است! همه این‌ها با مفروض گرفتن امکان شناسایی هویت ۶ هزار کاربر متخلف است! زیرا همین هم میسر نیست و برخی اوقات فقط یک شماره تلفن از سیم‌کارت مربوطه وجود دارد، یا صرفاً کد ملی طرف با آدرسی اشتباهی؛ لذا ناچاراً از مجموع ۶ هزار سیم‌کارت متخلف معرفی شده از سوی وزارت ارتباطات، توانست آدرس فیزیکی حدود پانصد مورد را بیابد و از آن تعداد هم باز فقط یک تعداد خیلی منجر به تشکیل پرونده و شناسایی کامل شد. (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۱-۱۲)

در این راستا، به‌منظور احراز هویت سیم‌کارت‌ها سامانه شاهکار در وزارت ارتباطات راه‌اندازی شد سرویس شناسه شاهکار (مخفف: شبکه احراز هویت کاربران)، سامانه‌ای برای حفظ حریم خصوصی و امنیت اطلاعات کاربران در فضای مجازی بود که به تصویب شورای عالی فضای مجازی رسید. به موجب آن اپراتورها ابتدا، از طریق سرویس شاهکار به احراز هویت کاربران پرداخته و در صورت درستی اطلاعات آن‌ها اقدام به ارائه خدمات می‌کنند. سرویس شاهکار واسطی بین اپراتور مخابراتی و مراجع هویت است که در صورت عبور کاربران از این فیلتر، به سرویس‌های ارائه شده دسترسی می‌یابند. (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۴) ضمناً سامانه شاهکار صفحات یکپارچه و بر خط شده در اختیار دستگاه‌های مربوطه قرار گرفت و امکان این فراهم آمد تا استعلام کنند که صاحب سیم‌کارت و مشخصاتش چه کسی است و در لحظه، پاسخ دریافت کنند. البته سیم‌کارت‌هایی که قبلاً فروخته شده بودند و به نوع 3g یا 4g ارتقاء نیافته‌اند تحت کنترل نیستند. گرچه وزارت ارتباطات برای شناسایی سیم‌کارت‌های قبلی غیرفعال نیز اقداماتی انجام داد.

در خصوص آنچه ذکر شد، فارغ از واقعی نبودن بخشی از احراز هویت‌ها، چند ملاحظه وجود دارد:

۱. برخی از شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام بدون ثبت شماره از افراد بدون احراز هویت واقعی، امکان فعالیت را به آن‌ها می‌دهند؛ در چنین مواردی طبیعی است که سامانه شاهکار نتواند پاسخگو باشد و احراز هویت محتواها در این موارد صرفاً از طریق شبکه ملی اطلاعات قابل انجام است و لاغیر.

۲. بخشی از تخلفات از طریق تلفن‌های ثابت و اینترنتی و مانند آن اتفاق می‌افتد و حال آنکه در حال حاضر بانک اطلاعات دقیقی در خصوص تلفن‌های ثابت نیست همچنانکه اکثر آن‌ها در سامانه ۱۱۸ به‌روز ثبت نشده‌اند و اطلاعات کاربری‌شان موجود نیست.

۳. سند «نظام هویت معتبر در فضای مجازی کشور» در سال ۱۳۹۸ تصویب و به کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی و غیردولتی، برای اجرا ابلاغ گردید. مطابق این سند، برای هر نوع تعامل فنی، اقتصادی (پولی و مالی)، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اداری میان اشخاص، گروه‌ها، اشیاء، خدمات، محتواها و مکان‌ها به هویت معتبر نیاز بوده و شکل‌گیری نظام قابل اطمینان برای هویت در فضای مجازی کشور ضروری است. (سند نظام هویت معتبر در فضای مجازی کشور: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵)

(به معنی مدیر) Admin^{۳۳}

۲-۵. رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد مؤثر با وبسایت‌های متخلف

فیلترشکن‌ها از چند جهت اهمیت دارند اولاً مجرای ورود در دنیایی از فضای ناامن به لحاظ اخلاقی، اقتصادی، امنیتی و ... هستند که برای کاربران به شدت مضر و خطرناک است؛ ثانیاً شناسایی هویت کاربر را تقریباً غیرممکن می‌سازند (شناسایی هویتی که آی‌پی خارجی دارد برای دستگاه‌های نظامی و امنیتی خیلی سخت و در حد غیرممکن است)؛ ثالثاً مجرای دستیابی دشمن به اطلاعات باارزش کاربران و ساماندهی آن‌ها در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی و ... بر علیه منافع کشور است رابعا ترافیک قاچاق کشور را افزایش می‌دهد و خود این، زمینه افزایش هرگونه جرمی است.

حسب اظهارات معاون فضای مجازی وقت دادستانی کشور در سال ۱۳۹۷: «وزارت ارتباطات مسئول مقابله با فیلترشکن‌ها بود اما به آن عمل نکرد این وظیفه، بنابر مصوبه شورای عالی فضای مجازی است». (جاویدنیا: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸) در این راستا کمیته تعیین مصادیق مجرمانه در سال ۱۳۹۸، ۱۸۳ هزار آدرس وی‌پی‌ان و آی‌پی وی‌پی‌ان و پروکسی به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرده بود که از مجموع این‌ها صرفاً ۱۰۰۰ مورد مسدود شد! همچنین برخورد با وبلاگ‌ها^{۲۵} و وبسایت‌های^{۲۵} متخلف بر عهده وزارت ارتباطات است.

وبلاگ‌ها و وبسایت‌های متخلف - هرچند بارونق شبکه‌های اجتماعی خیلی کمتر شده‌اند لیکن باز، در بحث فیلم، فعال هستند و متأسفانه به دلیل عدم شناسایی «هاستینگ»^{۲۶} آن‌ها و شناسنامه‌دار نبودن آن‌ها، بجای «هاست» سایت، «دامین»^{۲۷} سایت فیلتر می‌شود لذا چون هاستش فیلتر نیست دوباره به شکلی دیگر و در قالبی دیگر با دامین جدید استفاده می‌کند ولی اگر هاستش شناسنامه داشت به او رسماً ابلاغ می‌شد. (در حال حاضر هاست بخشی از سایت‌ها داخل کشور است و اگر شبکه ملی اطلاعات راه‌اندازی شود در آن فضا همه هاست‌ها در دسترس و داخل کشور خواهند بود).^{۲۸} در چند سال اخیر سایت‌های متخلفی که فیلتر می‌شوند ضمن اینکه درصد پائینی از سایت‌ها را دربر می‌گیرند، آن سایت‌ها هاستینگ خود را عوض و در قالب سایت جدید فعالیت می‌کنند و تا دوباره گزارشی جدید از فعال بودن سایت متخلف جدید بیاید سایت متخلف دوباره و برای مدتی با عوض کردن سایت یا ... کار خودش را ادامه می‌دهد. (ترتبی، ۱۳۹۸: ۳۴)

لازم به ذکر است در کشور ایران، قوانین فیلترینگ بدون توجه به نیاز و رده‌بندی مخاطبان، وضع شده است. حال آنکه با اجرای یکسان یکپارچه و سراسری پالایش برای همه کاربران و بدون توجه به نیازها و توانمندی‌های آن‌ها خلاف عدالت عمل شده است. مضافاً در کشورهای پیشرو در زمینه فضای مجازی، فیلترینگ اساساً توسط یک‌نهاد و ساختار مشخص اعمال نمی‌شود، بلکه هم حاکمیت و هم مردم در این‌باره مسئول شناخته می‌شوند؛ اما این مهم در ایران صرفاً از سوی نهاد حاکمیت و توسط کارگروه تعیین مصادیق اعمال می‌گردد. درحالی‌که اصل ۸ قانون اساسی بر مسئولیت همگانی تصریح دارد: «مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت مسئول می‌باشند». (طرح نگ و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۴)

۲-۶. فقدان آینده‌نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی یا MVNO^{۲۹}

یکی از طرق ایجاد معضل و مشکل - خصوصاً در آینده نه‌چندان دور - رواج و استفاده از شماره‌های مجازی است که نیازمند ضابطه‌مند شدن و قانون‌گذاری متقن برای آن است. ردیابی و احراز هویت دارنده این شماره‌ها مشکل است؛ زیرا شیوه کار آن بدین صورت است

^{۲۴} weblog

^{۲۵} website

^{۲۶} Host به معنی میزبان است و به محیط مجازی اطلاق می‌شود که بر روی یک سرور برای یک سایت تدارک دیده شده است درواقع فضایی است که به یک حساب کاربری در یک سرور امن و مطمئن روی شبکه اینترنت در مراکز داده اختصاص داده می‌شود. که میتوان در این حساب کاربری سرویس های مختلفی از میزبانی وبسایت تا ایمیل و ... دریافت کرد.

^{۲۷} Domain، آدرس وب سایت در دنیای اینترنت است. همان آدرسی که در مرورگر خود برای ورود به هر سایتی وارد می‌شود. دامین از دو بخش اصلی تشکیل شده است: نام دامنه و پسوند آن. پسوندهای بین‌المللی رایج عبارتند از .com، .net و .org. که دارای مصارف عمومی می‌باشند و هر یک به ترتیب معرف سایتهای تجاری، شبکه و سازمانی یا غیر انتفاعی می‌باشند. دامین نشان دهنده برند و نوع فعالیت فرد است.

^{۲۸} در حال حاضر غالب سایتهای مسئله‌دار هاستینگ خارجی دارند زیرا در صورت وجود هاست در داخل کشور، کاملاً قابل رصد و شناسایی اند.

^{۲۹} مخفف Mobile Virtual Network Operator

که هر شخصی ممکن است فقط یک‌بار از یک شماره مجازی استفاده کند چون این شماره‌ها به راحتی قابل انتقال به شخص یا شرکتی دیگر هستند. با این اوصاف می‌توان گفت که هک شماره مجازی و ردیابی این شماره‌ها هرچند کار غیرممکن نیست ولی بسیار سخت و زمان‌بر خواهد بود. معمولاً ردگیری این شماره‌ها از طریق ارائه دهندگان خدمات اینترنتی یا همان ISP^{۳۰} صورت می‌گیرد که البته برای گرفتن اطلاعات در این زمینه باید به صورت قانونی وارد عمل شد و طبیعتاً کار بسیار پر زحمت، زمان‌بر و پرهزینه‌ای است. (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۴)

نکته مهم آنجاست که غالب شرکت‌های ارائه‌دهنده اکانت مجازی خارج از کشور هستند! شرکت‌هایی که اپلیکیشن مربوطه را تهیه کرده‌اند و کد موردنظر را به مخاطب می‌دهند بخشی خارج از کشور هستند اما بخشی نیز در داخل‌اند همچون آسیاتل،^{۳۱} که لازم است سیاست‌ها و اقدامات لازم در جهت حمایت و فراگیری استفاده از سیم‌کارت‌های تولیدی شرکت‌های داخلی و حذف هرگونه جولان سیم‌کارت‌های مجازی خارجی در دستور کار قرار گیرد و گرنه در آینده‌ای نزدیک مشکلی دیگر بر مشکلات این حوزه و از نوع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر آن، افزوده خواهد شد. در واقع «در فضای مجازی همانند دنیای واقعی هر عمل یا حادثه‌ای از تعامل و قرارداد گرفته تا تقلب و دروغ‌پردازی - مشمول قواعد حقوقی است. فضایی که عنوان آن کنایه از یک دنیا یا فضای متفاوت با عرضه مادی دارد، فنون و شگردهای مخصوص خود را دارد و حقوق برای شناختن این فضا و قاعده‌مند کردن آن باید به همان فنونی مسلح شود که در آن مجری و هرروز در حال تحول پیچیده‌تر شدن است.» (اسلامی و عصاره، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۱) در حال حاضر قانونی مجزا و اختصاصی برای مدیریت و ساماندهی سیم‌کارت‌های مجازی وجود ندارد.

۲-۷. عدم کنترل برنامه‌های ویدئویی ضبط‌شده داخلی (VODها)^{۳۲}

برنامه‌های ویدئویی ضبط‌شده داخلی مانند آپارات، رها هستند و بخش قابل‌توجهی از محتوایی که در فضاهای مجازی غیرقانونی و متخلف بارگذاری می‌کنند اینجا هم قابل‌رؤیت است!

«برنامه‌های ویدئویی ضبط‌شده» یکی از مجموعه خدمات قابل ارائه از طریق «تلویزیون مبتنی بر اینترنت» است. در «برنامه‌های ویدئویی ضبط‌شده» این امکان وجود دارد که فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، مستندهای جذاب، برنامه‌های آموزشی و... در اختیار کاربران قرار بگیرد.

با این ملاحظه که عمده نگاه در «برنامه‌های ویدئویی ضبط‌شده» اقتصادی است و نه فرهنگی و در نگاه اقتصادی به‌منظور سودآوری و جلب مخاطب، محتوای زرد و حتی بازی با خطوط قرمز فرهنگی اولویت می‌یابد و به‌عنوان ابزاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، قابل‌ذکر است:

۱. فارغ از آنچه در انتهای بحث پیام‌رسان‌های داخلی گفته شد و در تمام این مباحث ساری و جاری است، باید در وضع قوانین موردنیاز، نیم‌نگاهی نیز به رقبای خارجی برنامه‌های ویدئویی ضبط‌شده داخلی داشت خصوصاً با دامپینگی که این رقبا انجام می‌دهند؛ یعنی اگر «آپارات» از کار انداخته شود، جای آن را «یوتیوب»^{۳۳} می‌گیرد، اگر «دیوار» تعطیل شود به جایش «آمازون»^{۳۴} می‌نشیند!

۲. چون مهم در فضای مجازی کار اقتصادی، خدمات اقتصادی، تبلیغات و فعالیت‌هایی از این دست است و فعالان اقتصادی لزوماً در داخل کشورند شاید بتوان با اعمال جریمه برای فعالان اقتصادی که در بستر خارجی فعالیت می‌کنند و با سوق دادن آن‌ها به سرورهای داخلی، اتوماتیک‌وار بستر داخلی را رونق داد و بستر خارجی را از رونق انداخت. (از طریق برخورد با ثبت سفارش تبلیغات از جانب شرکت‌ها و مؤسسات داخلی در بستر خارجی)

۳. در اعمال قانون، فشارها متأسفانه روی کسی می‌رود که مجوز دارد و قانونی عمل می‌کند و غیرمجازدار همواره در حاشیه امن است و با اقدام حاکمیت بر علیه مجوزدارها، بیش‌ازپیش میدان در دست غیرمجازدارها می‌افتد. جالب اینکه عمده تخلفات توسط غیرمجازدارهاست. البته منظور این نیست که با تخلفات مجوزدارها برخورد نشود - هرچند با مجوزدارها و احراز هویت شده‌ها نیز کار

^{۳۰} مخفف Internet Service Provider

^{۳۱} AsiaTel

^{۳۲} مخفف Video On Demand به معنی «برنامه ویدئویی درخواستی ضبط‌شده» است.

^{۳۳} Youtube

^{۳۴} Amazon

چندانی صورت نمی‌گیرد- بلکه مراد این است که برای به سرانجام رسیدن این برنامه، باید تمهیدی اندیشید که اساساً بدون مجوز، امکان فعالیت وجود نداشته باشد.

۴. باید رویکردها در اعمال جرائم متخلفان بازنگری شود؛ با این توضیح که در حال حاضر جهت‌گیری جرائم قانونی، صرفاً به سمت اپراتورهاست، برخی نیز بر آنند که باید سمت‌وسوی جرائم به سمت کاربران متخلف باشد و جرائم به‌جای اپراتورهای متخلف، فعالان و کاربران متخلف را مشمول جرائم و محرومیت‌ها قرار دهند و گزینه جریمه اپراتور به‌جای کاربر، سبب کوچ دادن آن‌ها به خارج از کشور و از دست دادن آن‌ها می‌شود مانند جریمه بلاگفا^{۳۵} که باعث رفتن این اپراتور به خارج شد و جریمه آپارات نیز چنین بی‌می‌تواند را تداعی می‌سازد. به نظر می‌رسد راه سومی نیز قابل‌تصور باشد و آن اعمال جرائم و محرومیت‌ها در حدی متناسب و معقول برای هردوی کاربر و اپراتورها با رویکرد حفظ و اصلاح آن‌ها باشد. همچنانکه لازم است ملاحظات مربوط به برخورد فعالانه و نه منفعلانه و لزوم قوی شدن و تمرکز بر اقدامات ایجابی را موردتوجه قرار داد.

۲-۸. ناهماهنگی دستگاه‌ها در تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی

در شرایط کنونی، نهادهایی که وظیفه‌ای در خصوص ساماندهی فضای مجازی بر عهده دارند، با چالش‌هایی در خصوص مدیریت یکپارچه و منسجم فضای مجازی مواجه هستند که رفع آن‌ها نیازمند اقدام متقن، هماهنگ و مجدانه است. برخی از این چالش‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱- به دلیل گستردگی و فراگیر شدن فضای مجازی، این نهادها، دارای شرح وظایف متنوع و بعضاً مشابهی شده‌اند. لیکن دارای برداشت‌های یکسان و تعاریف استاندارد بومی در مفاهیم پایه نیستند.

۲- به علت تعدد ذی‌نفعان و متولیان در این حوزه، روابط حمایت شونده / حمایت‌کننده مناسب نیست و مسئولان و کارشناسان باید چندین رابطه را که هریک آزادی‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارند درک و مدیریت کنند.

۳- فقدان جهت‌گیری واحد و مواضع اصولی اقدام‌کنندگان در فضای سایبر موجب شده مسئولین ضمن انجام اقدامات سلیقه‌ای و حرکات موازی، ناخواسته مسبب پدید آمدن چالش در فرآیند حکمرانی فضای مجازی شوند. (بخشی پور: ۱۴۰۰/۹/۴)

۴- در چنین وضعیتی شورای عالی فضای مجازی رافع نیازمندی‌های راهبری نیست. آنچه هم‌اکنون بعد از گذشت ۱۰ سال از تاسیس این شورا عملاً مشاهده می‌شود:

اولاً؛ تعدد مراجع قانون‌گذاری در حوزه فضای مجازی است: «نهادهای ذیصلاح مربوطه مشخص و معین نمی‌باشند و مشخص نیست که چه نهادی عهده‌دار تنظیم مقررات و برنامه‌ریزی بازدارنده در حوزه فضای مجازی است. عدم شفافیت در مراجع قانون‌گذاری و مشخص نبودن حدود اختیارات و وظایف هر مرجع زمینه‌ساز آن شده است که قوانینی که در حوزه فضای مجازی در کشور تاکنون تنظیم شده است با نقصان‌ها و خلأهایی همراه باشد.» (طرح‌نگی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۰)

در همین راستا غلبه نگاه امنیتی و سیاسی به نگاه علمی، فرهنگی و اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها، نداشتن حساسیت و دانش روز برخی اعضا، بی‌توجهی به ابعاد اقتصادی و اشتغال‌زایی در این حوزه، بودجه و اعتبار اندک، پیشرو نبودن و اتخاذ تصمیم‌های دیر هنگام از مهم‌ترین نقاط ضعف شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی است. (محمدی و نصرالهی، ۱۴۰۰: ۱۴۳)

ثانیاً؛ به‌مانند حوزه تقنین در حوزه اجرا، تشتت وجود دارد و ناهماهنگی‌های فراوان مشاهده می‌شود و ضمن فقدان ضمانت‌های اجرایی برای تبعیت از جایگاه قرارگاهی مرکز ملی فضای مجازی، هر دستگاهی عملاً کار خود را حسب تشخیص خویش انجام می‌دهد و حلقه‌های اجرا اتصال و انسجام مورد انتظار را ندارند.

در حال حاضر «به دلیل ناکارآمدی بعضی از دستگاه‌ها و با توجه به هدررفت مقدار قابل‌توجهی از زمان شورای عالی فضای مجازی بنا به دلایل بوروکراتیک و ضعف در نظارت و تصمیم‌گیری، نیازمند بازنگری و بازتعریف دقیق در [مأموریت‌ها و] کارکردهای دستگاه‌های مربوطه و شورای عالی فضای مجازی هستیم.» (نرگسیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۴)

۵- عمل نشدن به قوانین و سیاست‌های وضع‌شده و فقدان عزم و اراده لازم برای اجرا در دستگاه‌ها و نیز نقصان اراده در شورای عالی فضای مجازی برای پیگیری ثمربخش مصوبات و قوانین تا حصول نتیجه مورد انتظار. اینها همه در حالی است که «برخورداری از بالاترین

قدرت سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری نظارت و اجرا در حوزه فضای مجازی در کشور و امکان استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قوای سه‌گانه نظام در سیاست‌گذاریها از مهم‌ترین نقاط قوت شورای عالی فضای مجازی هستند» (محمدی و نصرالهی، ۱۴۰۰: ۱۴۳)

۹-۲. غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی

عمده قوانین و سیاست‌گذاری‌ها در فضای مجازی با رویکرد سلبی بوده و قوانین سلبی بر ایجابی غلبه دارد؛ توضیح بیشتر آنکه «با بروز و ظهور فن‌آوری‌های به‌روز در جامعه، همواره موافقان و مخالفانی بودند که به تناسب مواضعشان با ذکر مزایا و معایب آن‌ها، رویکردهای سلبی و ایجابی مختلفی داشته‌اند؛ و این رویکرد و جریان، اختصاص به ورود فناوری‌های جدید ندارد بلکه در مورد فناوری‌های بالنسبه قدیمی نیز صادق است؛ مانند ورود تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون و ویدیو.» (حسنوندی و منطقی، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۵) در طیف قوانین و سیاست‌های سلبی جوامع و دولت‌ها در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در خصوص فضای مجازی شاید بتوان چهار گروه عمده از اقدامات را جای داد که عبارتند از: تشویق به استفاده از سامانه‌های نظارتی و مسدودسازی سطح خرید، استفاده از سامانه‌های نظارتی و مسدودسازی سطح کلان، برنامه‌ریزی بازدارنده در حوزه قانونگذاری و جلوگیری از استفاده از اینترنت. (طرح نگی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۶-۱۱۷)

بررسی تطبیقی مواضع اولیای فرهنگی جوامع ایران و غرب، حکایت از برخوردی متفاوت در زمینه فن‌آوری‌های جدید دارد. به این معنا که مسئولان و اولیای امور فرهنگی و اجتماعی در ایران، بیشتر از آن‌که ترکیب توأم با فرصت و تهدید فن‌آوری‌ها را پذیرفته، در صدد برنامه‌ریزی و بسترسازی برای افزایش فرصت‌های فن‌آوری‌ها و کاهش تهدید آن‌ها باشند، بیشتر متوجه مقابله با تهدیدهای احتمالی فن‌آوری‌ها شده‌اند و این امر، به‌جای بسترسازی برای استفاده جامعه از فرصت‌های فن‌آوری‌های ارتباطی جدید، عملاً به فرصت‌سوزی تبدیل شده است. (منطقی، ۱۳۸۶ (الف): ۱۲۵) و با یکجانبه‌نگری نه‌تنها به نحو مطلوب و در زمان خود از این ابزارها بهره‌برده نشده بلکه با اجازه ندادن به کارشناسان و صاحب‌نظران در جهت بررسی جوانب موضوع، فرصت کاهش آسیب‌ها نیز از خود گرفته شده است، در عمل هم که نتوانسته‌ایم در برابر ورود و گسترش آن برای همیشه موفق باشیم! (منطقی، ۱۳۸۶ (ب): ۸۷)

اما در غرب، مواجهه به شکل دیگری بوده است؛ در غرب تلاش و افری برای شناخت نقاط ضعف و قوت آن و کوشش به منظور گسترش بسترسازی‌ها برای افزایش فرصت و کاهش تهدیدهای آن از طریق وضع قوانین و چارچوب‌گذاری، شده است. بر همین اساس با سمت و سو دادن به پژوهش‌ها و تحقیقات اجتماعی در غرب بدین سو، پژوهش‌های انجام‌شده، حاوی سه محور کلان پژوهش در زمینه: شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از فضای مجازی، تلاش در راستای کاهش آسیب و تلاش در جهت گسترش فرصت‌های فضای مجازی، می‌باشد.

بنابراین فن‌آوری‌های ارتباطی نه در ایران بلکه در جهان حاضر یک انتخاب نبوده، بلکه یک تحمیل بوده است، ولی برای مقابله با تهدیدهای آن، غربی‌ها با اتکا به رویکردی مداخله‌گرایانه، کوشیده‌اند با گسترش فرصت‌ها از میزان تهدیدهای آن بکاهند؛ اما به سبب دید متفاوت متولیان در ایران، فن‌آوری‌های ارتباطی پیشرفته، به سبب آن‌که متضمن تهدید نیز هستند، در نگاه و برخورد سلبی آرمان‌گرایانه، به کنار نهاده شده‌اند. (حسنوندی و منطقی، ۱۳۹۰: ۷۱)

رویکردهای مبتنی بر نفی و انکار، علاوه بر خالی گذاشتن عرصه برای تاخت‌وتاز رقیب و دشمن، تنها به فرصت‌سوزی خواهد انجامید. چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «باید با تلاش مبتکرانه به مقابله با این مقوله‌ها پرداخت، رصد و شناخت دقیق پدیده‌های نوظهور تهاجم فرهنگی قبل از ورود به ایران ضروری است، دیر فهمیدن و دیر جنبیدن مشکل‌آفرین است بنابراین باید به موقع و حکیمانه برخورد کرد.» (خامنه‌ای: ۱۳۹۲/۱۹)

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که چالش‌های: «ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات»، «عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند»، «ضعف پیام‌رسان‌های داخلی»، «مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار»، «رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد مؤثر با وبلاگ‌ها و وب‌سایت‌های متخلف»، «فقدان آینده‌نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی»، «عدم کنترل برنامه‌های ویدئویی ضبط‌شده داخلی»، «ناهماهنگی دستگاه‌ها در تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی» و «غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی»، باعث تداوم نابسامانی و آسیب‌ها شده است.

راهکارهای پیشنهادی برای رفع چالش‌های مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

۱. وضع قوانین موردنیاز برای ساماندهی فضای مجازی: به ده‌ها قانون برای تحقق این امر نیاز است، چنانکه در بسیاری از کشورهای همسایه مانند ترکیه، پاکستان، هند، عربستان سعودی و روسیه قوانین مشخص و دقیق نسبت به فضای مجازی دارند و این موضوع به اندازه‌ای حساس است که اتحادیه اروپا با وجود اینکه در بسیاری از جهات با آمریکا هم‌پیمان است اما در فضای مجازی قوانین خاص خودش را دارد. آمریکا بیش از ۲۰۰ قانون برای فضای مجازی دارد.
۲. اعمال حکمرانی فضای مجازی و داشتن گمرک مجازی برای داده‌های کشور، طوریکه سرویس خارجی هم اگر بخواهد داخل کشور خدمات بدهد سرورهایش داخل کشور مستقر شود و یا در داخل کشور، نمایندگی و دفتر داشته باشد، از طرفی کلید رمز محتوایش در اختیار قرار گیرد تا قابل مدیریت باشد.
۳. ساماندهی شبکه ملی اطلاعات با تفویض قانونی مدیریت و مسئولیت کار در هر سه لایه به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و نیز توجه به تمهید لوازم شبکه ملی اطلاعات از جمله، جستجوگر قوی داخلی، پیام‌رسان داخلی قدرتمند، ایمیل داخلی، خدمات مراکز داده مانند میزبانی و ذخیره‌سازی داده یا همان خدمات ابری، خدمات نام و نشانه‌گذاری با تأکید بر خط و زبان فارسی، مراکز تبادل پیام و اطلاعات، بحث روتینگ (انتخاب شدن مسیر مناسب داخلی برای بسته‌های ارسالی)، ...
۴. مدیریت قانونی فیلترشکن‌ها و بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند، با احترام به حریم خصوصی کاربران و تفسیر حداکثری از مصادیق و قلمرو حریم خصوصی. (هرچند باید سراغ ریشه‌ها و علت‌های اولویت‌دار رفت و گزینه تمرکز بر اقدامات سلبی، منجر به بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی نظام می‌شود).
۵. احراز هویت دقیق و واقعی تمام سیم‌کارت‌های فعال و اینکه از جنبه قانونی، شخصی که سیم‌کارت به اسمش هست مسئول محتوای آن شناخته شود و هیچ کس حق نداشته باشد سیم‌کارت دیگران را استفاده کند و گرنه، شخص استفاده‌کننده و صاحب سیم‌کارت هر دو مسئول خواهند بود.
۶. وضع قوانین محکم، شفاف و به‌روز برای برخورد با تخلفات فضای مجازی: قوانین فعلی ضعیف بوده و قابلیت تفسیرهای مختلف را دارند. یا اینکه به‌روز نیستند مثلاً قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ و قانون جرمه‌های رسانه‌ای در سال ۱۳۸۸ تصویب شده‌اند در حالیکه بعد از آن‌ها پنج انقلاب در فضای مجازی رخ داده است!

منابع و مآخذ

۱. اسلامی، رضا و عصاره عبدالله. (۱۳۹۱). «حق دسترسی به اطلاعات در اینترنت ابزار تقویت مشارکت از شهروندی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵۱.
۲. اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۱). «مبانی و حدود آزادی بیان و مطبوعات از دیدگاه اسلام». مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۴.
۳. تربتی، عبدالله. (۱۳۹۸). *فضای مجازی*. تهران، کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. حسونندی، صبا و منطقی، مرتضی. (۱۳۹۰). *قراز و فرود چترورم‌ها*. تهران، نشر عابد.
۵. رضایی‌ها، آمنه و افشاری، مریم. (۱۳۹۷). «نقش دولت در مدیریت فضای مجازی از منظر قانون اساسی ایران». مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۹، شماره ۳۷.
۶. سپهر. (۱۴۰۰). *ضرورت‌های ساماندهی به فضای مجازی*. تهران، ویرگول.
۷. شریفی، مهدی؛ مرزبان، بیتا و لبافی، سمیه. (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری تولید محتوای فضای مجازی در ایران»، مجله مدیریت دولتی، دوره ۱۰، شماره ۲.
۸. طرح‌نگی، محمد مهدی؛ میرترابی، سعید و گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۸). «تبیین سیاست‌گذاری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران». مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۳۰.
۹. عبدالمهدی، غلامعلی. (۱۳۹۹). *آسیب‌شناسی فضای سایبر*. تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۰. محمدی، حمید و نصرالهی، اکبر. (۱۴۰۰). «راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی»، مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دهم، شماره ۳۸.
۱۱. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۶ الف)، *راهنمای اولیا در استفاده فرزندان از تلفن همراه*. تهران، نشر عابد.

۱۲. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۶ ب)، راهنمای اولیا در استفاده فرزندان از بازی‌های ویدیویی. تهران، نشر عابد.
۱۳. نرگسیان، عباس؛ پیران نژاد، علی؛ حاجی ملا میرزایی، حامد و قربیان، عباس. (۱۴۰۰). «ارائه مدل اجرای خط مشی‌های فضای مجازی در ایران»، مجله امنیت ملی، سال ۱۱، شماره ۳۹.
۱۴. یوسفی، سعید و فرزانه، عبدالحمید. (۱۴۰۲). «بررسی حقوق فضای مجازی از منظر قانون جمهوری اسلامی»، دهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم، تربیت روانشناسی فقه و حقوق و علوم اجتماعی.
۱۵. الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی. (۱۳۹۹/۱۱/۲۱). شورای عالی فضای مجازی.
۱۶. تعریف و الزامات حاکم بر تحقق شبکه ملی اطلاعات. (۱۳۹۲/۱۰/۰۳). شورای عالی فضای مجازی.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی. بیانات در تاریخ‌های: ۱۳۹۲/۹/۱۹، ۱۳۹۵/۸/۹، ۱۴۰۰/۱/۱.
۱۸. سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی. (۱۴۰۱/۶/۸). شورای عالی فضای مجازی.
۱۹. سند نظام هویت معتبر در فضای مجازی کشور. (۱۳۹۸/۰۷/۱۵). شورای عالی فضای مجازی.
۲۰. سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی. (۱۳۹۶/۵/۱۱). شورای عالی فضای مجازی.
۲۱. طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات. (۱۳۹۹/۰۶/۲۵). شورای عالی فضای مجازی.
۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۵۸/۰۸/۲۴. انتشارات دوران.
۲۳. قانون جرائم رایانه‌ای. (۱۳۸۸/۴/۳). مجلس شورای اسلامی.
۲۴. قانون برنامه پنجم توسعه کشور. (۱۳۸۹/۱۰/۱۵). مجلس شورای اسلامی.
۲۵. بخشی پور، معصومه. (۱۴۰۰/۹/۴). خلاء مصوبات شورای عالی فضای مجازی در مدیریت راهبردی فضای سایبر. خبرگزاری مهر، کد خبر ۵۳۶۰۱۱۹. <https://www.mehrnews.com/news/5360119>
۲۶. جاویدنیا، جواد. (۱۳۹۷/۱۲/۱۸). عدم اجرای مصوبه مقابله با فیلترشکن‌ها توسط وزارت ارتباطات. خبرگزاری مشرق، کد خبر ۹۴۲۹۳۹. <https://www.mashreghnews.ir/news/942939>
۲۷. حاتمیان، سید مهدی. (۱۳۹۴/۲/۱۹). سند سیاستی شبکه ملی اطلاعات. وبسایت تخصصی سیاست‌گذاری عمومی. <http://www.ippra.com/html>
- واعظی، محمود. (۱۳۹۶/۰۵/۰۲). ارائه اینترنت نامحدود تصویب شد (روزنامه مردم‌سالاری). سایت پیشخوان. <https://www.pishkhan.com/news/30867>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی